مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۴، پاییز ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۱۰۹-۱۴۴

DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4

اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی میرزا ابوالمکارم و میرزا ابوطالب زنجانی؛ برگی از مشروطهٔ زنجان و ایران

عباس قدیمی قیداری[۱]
حسن رستمی[۲]

چکیده: انقلاب مشروطیت به‌رغم مطالعات گسترده، در برخی موضوعات از جمله نقش برخی کنشگران سیاسی و عناصر متنفذ محلیِ دور از کانون‌های مشروطیت، به بررسی بیشتری نیاز دارد. در این راستا دو شخصیت سیاسی زنجانی، میرزا ابوالمکارم و ابوطالب موسوی از جملهٔ کنشگران دورهٔ مشروطه به شمار می‌روند که تاکنون به‌جز اشاره‌های کوتاه منابع عمومی، کارنامه‌شان مورد بررسی قرار نگرفته است. برادران زنجانی با فراز و فرود در مواضع و چرخش‌های سیاسی، در مقابل دو جریان مشروطه‌خواهی و ضدّ مشروطه نقشی شایستهٔ بررسی ایفا کردند. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع اصیل، روزنامه‌ها و اسناد جدید و با استفاده از روش توصیفی-تبیینی به بررسی کارنامه و مواضع سیاسی این دو شخصیت زنجانی عصر مشروطه پرداخته شده است. مدعای نگارندگان پژوهش این است که مشروطه‌خواهی میرزا ابوالمکارم متأثر از ملاحظات و رقابت‌های طبقاتی با خاندان‌ها و علمای نوظهور زنجان بود. مواضع ضدّ مشروطهٔ میرزا ابوطالب نیز به سبب نزدیکی به دربار، رقابت با علمایی چون بهبهانی و مشروعه‌خواهی حاصل شد. این مواضع به تثبیت موقعیت میرزا ابوالمکارم در زنجان و قتل میرزا ابوطالب در تهران انجامید.

واژه‌های کلیدی: میرزا ابوالمکارم، میرزا ابوطالب، مشروطیت، زنجان، انجمن ولایتی، رقابت‌های سیاسی

۱ دانشیار گروه تاریخ، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
Ghadimi.history@gmail.com
۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
Rostami.h1210@gmail.com
تاریخ دریافت:1400/10/17 تاریخ تأیید: 1401/03/22

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 54, Autumn 2022
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 109-144

The Political Thoughts and Actions of Mirza Abolmakarem and Mirza Aboutaleb Zanjani, as a Part of the Constitutional Movement of Zanjan and Iran

Abbas Ghadimi Gheydari[1]
Hasan Rostami[2]

Abstract: Despite extensive studies on Constitutional Revolution, there are some issues that need to be examined further in this subject, including the role of some political activists and influential local elements far from the centers of constitutionalism. In this regard, two Zanjani politicians, namely Mirza Abolmakarem and Aboutaleb Mousavi, were among the political activists of the constitutional period, whose roles and influence has not been examined so far, except for some brief references in public resources. The Zanjani brothers played a valuable role in the confrontation between the two currents of constitutionalism and anti-constitutionalism by rising and falling in political positions and turns. Using original sources, newspapers and new documents, this study uses a descriptive-explanatory method to examine the biographies and political positions of these two Zanjani personalities of the constitutional era. This research claims that Mirza Abolmakarem's constitutionalism was influenced by class considerations and rivalries with emerging families and scholars in Zanjan. Mirza Abutaleb's anti-constitutional stances were also formed due to closeness to the court, competition with scholars such as Behbahani, and Legitimacy movement. These positions led to the consolidation of Mirza Abolmakarem's position in Zanjan and the assassination of Mirza Aboutaleb in Tehran.

Keywords: Mirza Abulmakarem, Mirza Abutaleb, Constitutionalism, Zanjan, provincial association, political competitions.

1 Associate Professor, Department History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (corresponding author)Ghadimi.history@gmail.com.

2 PhD Candidate of Iran later Islam, Department History Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran Rostami.h1210@gmail.com.

Receive Date: 2022/01/7 Accept Date: 2022/09/13

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

مقدمه

علمای شیعه از دورهٔ صفویه با مهاجرت به ایران، طبقه‌ای مهم در جریان‌های سیاسی به شمار می‌رفتند. در دورهٔ قاجاریه جنگ‌های ایران و روسیه، امتیازهای خارجی، مواجهه با دستاوردهای تمدنی غرب، جنبش بابیه و مشروطیت، موجب حضور برجستهٔ علما در ساخت اجتماعی و سیاسی ایران گردید. نسبت دین با سیاست و به دنبال آن علمای شیعه با حکومت و حکومت‌داری، مسائل مهمی برای ایجاد بحث‌ها، جدل‌ها و اختلاف نظرهای جدی در میان علما بودند.

خاندان میرزا ابوالمکارم و میرزا ابوطالب موسوی -از جمله علمای متنفذ زنجان- از دورهٔ صفویه ریاست دینی بخشی از جامعهٔ زنجان را برعهده داشتند. جایگاه علمی مناسب و شرایط مساعد اقتصادی-اجتماعی، حضور مؤثر برادران موسوی در حوادث مشروطیت را فراهم کرد. در این دوره میرزا ابوالمکارم به صف مشروطه‌طلبان زنجانی پیوست و میرزا ابوطالب با اقامت در تهران، از علمای مخالف نام گرفت. با وجود شهرت خاندانی و فعالیت‌های سیاسی میرزا ابوطالب که با اقامت در تهران و نزدیکی به دربار حاصل گردید، سیر اندیشه‌ها و فعالیت‌هایش مورد بررسی قرار نگرفت. از سوی دیگر، آرا و عملکرد میرزا ابوالمکارم به مانند حوادث مشروطهٔ زنجان به فراموشی سپرده شد. مسئلهٔ اصلی پژوهش، بررسی و نتایج عوامل مؤثر بر آرا، رفتار و جهت‌گیری‌های سیاسی برادران زنجانی در عصر مشروطیت است. در پژوهش حاضر به این سؤال پرداخته شده است که برادران موسوی براساس کدام زمینه‌ها و علل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، کنش‌ها و بینش-های متضادی داشتند؟

مقاله از پیشینه‌ای برخوردار نیست. در *فصلنامهٔ فرهنگ زنجان*، مؤلف مقالهٔ «رجال علمی زنجان- خاندان میرزایی»[1] با نادیده گرفتن فعالیت‌های سیاسی، به توصیف تحصیل، نام فرزندان و شرح آثار برادران زنجانی پرداخته شده است. نگارندگان پژوهش حاضر با اتکا به منابع اصیل، اسناد نویافته و روزنامه‌های دورهٔ

۱ یوسف محسن اردبیلی (تابستان ۱۳۷۹)، «رجال علمی زنجان؛ خاندان میرزایی‌ها»، *فصلنامه فرهنگ زنجان*، سال اول، ش۲، صص ۹-۴۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

مشروطه، با روش توصیفی-تبیینی، برای نخستین بار به بررسی آرا و فعالیت‌های برادران زنجانی در عصر مشروطه پرداخته‌اند.

۱. خاندان موسوی زنجانی

سادات موسوی از قدیمی‌ترین خاندان‌های زنجان‌اند که نسبشان به سید ابراهیم سمین می‌رسد. سید سلیم نوادهٔ سمین، به همراه محقق کرکی برای تبلیغ به ایران آمد و در زنجان سکونت گزید. در اوایل دورهٔ قاجار سید کاظم نوادهٔ سید سلیم، از علمای برجستهٔ زنجان به شمار می‌آمد. ابوالقاسم جد میرزایی‌ها و محمدباقر جد موسوی-های زنجان، پسران سید کاظم بودند (موسوی زنجانی،[۱] ۱۳۵۲: ۱۷۵؛ موسوی - میرزایی، ۱۳۲۶: ۳۵-۳۷). میرزا ابوالقاسم پس از مرگ پدر سرپرستی خاندان را برعهده گرفت و اندکی بعد در جریان جنگ بابیت زنجان، با محمدعلی حجت مبارزه کرد (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹). وفات میرزا ابوالقاسم در سال ۱۲۹۲ق. روی داد و فرزندانش با توجه به وصیت‌نامه‌ای که در پشت یکی از آثارش با نام *مقالید الابواب* وجود دارد، به ترتیب ابوالمکارم، ابوطالب و ابوعبدالله بودند (زنجانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). از میان پسرانش ابوعبدالله فرزند کوچک‌تر در سال ۱۳۱۳ق. از دنیا رفت و در مقبرهٔ خانوادگی میرزایی‌ها به خاک سپرده شد (موسوی زنجانی، ۱۳۵۲: ۴۰۶-۴۰۷). ابوالمکارم و ابوطالب موضوع این مقاله‌اند که به معرفی آنها - پرداخته‌ایم.

۱-۱. ابوالمکارم موسوی

عزالدین ابوالمکارم محمد سال ۱۲۵۵ق. در زنجان به دنیا آمد. پس از طی دروس مقدماتی، روانهٔ عتبات شد و با حضور در کلاس درس مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری، با کسب درجهٔ اجتهاد به زنجان بازگشت. پس از درگذشت پدر منصب قضا، فتوی و سرپرستی مسجد خاندان موسوی (مسجد میرزایی‌ها) به او رسید (اقبال

---

۱ نام ابراهیم موسوی زنجانی نویسنده کتاب *تاریخ زنجان؛ علما و دانشمندان*، بر روی جلد به اشتباه «زنجانی موسوی» درج شده است. در صفحه اول کتاب، این اشتباه تصحیح شده و به صورت ابراهیم موسوی زنجانی اصلاح شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

آشتیانی، ۱۳۲۵: ۱۳۳-۱۳۴؛ صحرائی، ۱۳۹۵: ۶۳۹/۲۱). میرزا ابوالمکارم با توجه به اراضی فراوان خاندانی و رونق محکمهٔ قضا در زنجان، به عنوان یکی از علمای برجسته شناخته می‌شد (شیبانی، ۱۳۷۴: ۴۵۳). میانه‌روی، خلق آرام و رفتار پسندیده موجب نزدیکی طبقات و گروه‌های مختلف به او شده بود (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۸۹؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۵۸). میرزا ابوالمکارم خطی نیکو داشت. آثارش علاوه بر رسالهٔ علمیه، دربارهٔ احکام دینی و تفسیر تدوین گردید (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۵: ۱۳۴). او در دورهٔ مشروطیت با جایگاه برجستهٔ دینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین علمای زنجان شناخته می‌شد.

۲-۱. ابوطالب موسوی

فخرالدین ابوطالب محمد سال ۱۲۵۹ق. در زنجان به دنیا آمد. پس از گذراندن سطوح مقدماتی، به همراه میرزا ابوالمکارم روانهٔ نجف شد و از درس‌های شیخ - راضی، مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری بهره برد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶: ۳۸). پس از پایان تحصیلات، با روحیهٔ نوگرایی و پرسش‌گری برای آموختن رهسپار عثمانی شد. پس از بازگشت به کشور فضای جامعهٔ زنجان را برای رشد و پیشرفت محدود دید؛ به همین دلیل از برادرش جدا شد و تهران را برای اقامت برگزید. اندکی بعد به سبب مراتب علمی بالا، ناصرالدین‌شاه قاجار مأموریت تدوین قوانین جدید برای عدلیه را به میرزا ابوطالب سپرد، اما با حسادت متنفذان بی‌نتیجه ماند (همان، ۴۲؛ مصاحبه با محسن میرزایی، ۱۳۹۹). با ورود سید جمال‌الدین اسدآبادی به ایران، میرزا ابوطالب به طرح اتحاد اسلامی علاقه‌مند شد و روابط نزدیکی با او برقرار کرد. در جریان تحصن سید جمال در حرم عبدالعظیم، واسطهٔ رفع کدورت گردید. اندکی بعد روابطش با سید جمال در استانبول از چشم مأموران ایرانی دور نماند؛ در نتیجه به سبب بی‌مهری شاه تصمیم به دوری از دربار گرفت (اسناد خاندان موسوی میرزایی، ۱۳۹۹؛ اسناد وزارت امور خارجه دربارهٔ سید جمال‌الدین حسینی (اسدآبادی)، ۱۳۹۵: ۳۵۶). او برخلاف برادرش، فردی مغرور و پرمدعا بود (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۵۸؛ مصاحبه با محسن میرزایی، ۱۳۹۹). آثار میرزا ابوطالب در زمینه‌های مختلف، نشان از علاقه به تجدد و علوم جدید داشت. از

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

جملهٔ این آثار ترجمهٔ *سیاحت‌نامه* را می‌توان نام برد (بامداد، ۱۳۶۳: ۷۴/۱؛ موسوی زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۰۵). میرزا ابوطالب در سال‌های مشروطه با فعالیت‌ها و مواضعش تأثیر مهمی بر حوادث این دوره گذاشت.

۲. ساختار و وضعیت اجتماعی-سیاسی علمای زنجان در دورهٔ قاجار

ساختار جامعهٔ ایران دورهٔ قاجار زمینه‌ساز ترسیم الگوهای بسیاری شد که از آن جمله می‌توان به تغییر و اصلاح اولویت‌ها، شکل و شیوهٔ سیاست‌ها، ساختار سازمانی، چالش در اجرای سیاست‌ها و حوزه‌هایی از اقتدار دولت اشاره کرد. در این دوره کنترل اجتماعی در اختیار دولت نبود و نیروهایی چون علما با ریاست دینی، از جمله موانع اقتدارگرایی بودند. براساس الگوی «جوئل میگدال»،[1] سیاستی که دولت-های ضعیف برای بقای خود به آن دست زدند، توسط کارگزاران قاجاریه به اجرا درآمد. اعطای مناصب دینی به گروه‌های رقیب از جملهٔ این سیاست‌ها برای مهار طبقهٔ فرادست بود. برای نمونه، سیاست عین‌الدوله در مقابل سید عبدالله بهبهانی با برکشیدن علمای رقیبی چون میرزا ابوطالب را می‌توان نام برد (کسروی، ۱۳۸۳: ۶۵؛ ملک‌المورخین، ۱۳۸۶: ۷۶۳/۲).

زنجان در نخستین سال‌های حکمرانی شاهزاده «عبدالله‌دارا» تحولاتی در زمینه-های مختلف داشت. در این دوره علمای بزرگ با نپذیرفتن ریاست مراکز دینی و امامت جمعه، زمینهٔ همکاری علمای گمنام با دولت را فراهم کردند. در این راستا عبدالله‌دارا با احداث بازار و مسجد جامع، خاندان حسینی را از روستای «سیردان» طارم به زنجان آورد و منصب امامت جمعه و تولیت مسجد جامع را به سید محمد سیردانی واگذار کرد. در ادامه برای حمایت از امام‌جمعه، مغازه‌های اطراف بازار و روستاهای نزدیک وقف مسجد گردید. هدف از این اقدام واگذاری سرپرستی و تولیت مسجد به یک عالم دینی بود، اما برکشیدن یک خاندان از جامعهٔ روستایی واکنش خاندان‌های موسوی و شیخ‌الاسلام را به دنبال داشت. به نظر می‌رسد با توجه به اسناد خاندانی و همچنین جبهه‌گیری بعدی خاندان‌های شهری در مقابل اعطای

1 Joel S. Migdal

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

منصب امام‌جمعه به خاندان حسینی، در ابتدا دعوتی از علمای متنفذ شهر برای تصدی این منصب انجام نشد (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۳۹۹). اندکی بعد، با آغاز جنگ بابیت زنجان که خاندان امام‌جمعه به مقابله برخاستند، علاوه بر مسائل دینی، رقابت‌های علمای زنجانی با خاندان نوظهور حسینی در این جنگ شهری بی‌تأثیر نبود.

در دورهٔ ناصری با ورود علمای روستاها (ملا قربانعلی و شیخ ابراهیم زنجانی)، پایان تحصیلات حوزوی فرزندان میرزا ابوالقاسم موسوی (ابوالمکارم، ابوطالب، ابوعبدالله) و شیخ‌الاسلام زنجانی (ضیاءالدین نایب‌الصدر)، زنجان بیش از گذشته محل تنش‌ها و رقابت‌های طبقاتی شد. سال‌های پیش از مشروطه مسئلهٔ تولیت مسجد جامع جدال‌های فراوانی به وجود آورد که خاندان‌های موسوی و شیخ‌الاسلام برای تصدی با ملا قربانعلی از حامیان خاندان هم‌گروه امام‌جمعه به رقابت پرداختند (همان اسناد). در ادامه، منازعهٔ علمای زنجان بر سَر مسائل سیاسی دربارهٔ اعطای مناصب دیوانی، به گروه‌های طرفدار کشیده شد (سالور، ۱۳۷۴: ۱۵۶۳/۲) و مجالس دینی میدانی برای مشاجره‌های لفظی به سبب جایگاه نشستن و یا احترام در زمان ورود علما گردید (مصاحبه با محسن میرزایی، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد سیاست‌های کارگزاران قاجاری با ایجاد خاندان‌های رقیب و حمایت از عناصر فرودست روستایی در مقابل گروه‌های متنفذ شهری، مهم‌ترین عامل در این جبهه‌بندی جریان‌های سیاسی عصر مشروطه در زنجان بود و گروه‌های سیاسی متأثر از مراکز قدرت به رقابت با یکدیگر پرداختند.

۳. فعالیت‌های سیاسی برادران زنجانی در سال‌های مشروطیت

۳-۱. میرزا ابوالمکارم در آزمون رقابت‌های سیاسی

با فرمان تأسیس مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی، طبقات مختلف زنجانی برای انتخابات به تکاپو افتادند. خودشیفتگی طبقاتی که ریشهٔ تاریخی در جامعه داشت، در زنجان موجب حذف خاندان‌های نوظهور برای مشارکت سیاسی گردید. بنابراین انجمن ولایتی با پیشگامی خاندان‌های قدیمی شهر و با ریاست میرزا

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

ابوالمکارم در زمستان ۱۳۲۴ تأسیس شد (*روزنامه حبل‌المتین طهران*، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: شماره ۵، صص۳-۴؛ بهزادی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۴۲). با توجه به این رویهٔ انتخابات، ملا قربانعلی به عنوان مهم‌ترین نمایندهٔ گروه‌های نوظهور در جامعهٔ شهری، به مقابله برخاست. به نظر می‌رسد در این جبهه‌گیری علاوه بر رقابت‌های علما برای تصاحب مناصب سیاسی، روابط آنها با کانون‌های قدرت نیز مؤثر بوده است. در نتیجه، ملا قربانعلی با توصیهٔ محمدعلی‌میرزا ولیعهد و با همکاری نیّرالممالک حاکم زنجان، تصمیم به تأسیس پایگاه ضدّ مشروطه با نام «انجمن اسلام» گرفت (زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰) و این نهاد ضدّ مشروطه با پیشگامی ملا قربانعلی و همراهی علمای هم‌تباری چون میرزا ابوالفضایل امام‌جمعه، در مسجد جامع تشکیل شد (*روزنامه انجمن تبریز*، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵: شماره ۱۴۳، ص۳). با تأسیس دو انجمن، رقابت در ظاهر برای اهداف سیاسی و در نهان به منظور مقاصد طبقاتی آغاز شد. به گفتهٔ شیخ ابراهیم زنجانی - از مهم‌ترین مشروطه‌خواهان زنجان- انتخابات بدون یک رأی مخالف با پیروزی‌اش به سرانجام رسید (زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۳۱-۲۳۲). البته به نظر می‌رسد به مانند تأسیس انجمن ولایتی از سوی طبقهٔ فرادست و نزدیکی زنجانی به خاندان‌های متنفذ شهری که همسرش وابسته به این طبقه بود، انتخابات مجلس نیز با در نظر نگرفتن گروه‌های رقیب انجام گرفت (همو، همان، ۱۵۴). در ادامه، ملا قربانعلی با مشاهدهٔ پیشتازی گروه رقیب، سید ابوطالب سلطانیه را به عنوان نمایندهٔ انجمن اسلام روانهٔ مجلس کرد که رقابت بر سر این انتخاب، با تغییر حکمران زنجان به درگیری انجامید (مذاکرات مجلس اول، ۱۸جمادی‌الاول ۱۳۲۵: جلسهٔ ۱۱۲).

پس از برکناری نیّرالممالک از سوی دولت مشروطه، سعدالسلطنه در ۱۷ ربیع-الاول ۱۳۲۵ روانهٔ زنجان شد (همان، جلسه ۱۱۲)، اما سوابق حکمرانی سعدالسلطنه امکان درگیری را دوچندان کرد (فخرایی، ۱۳۵۳: ۳۰-۳۱). سعدالسلطنه را گروه‌های رقیب زنجان در تنگناهای حاصل از رقابت‌های طبقاتی قرار داده بودند (*روزنامه صبح صادق*، ۱۱ رجب ۱۳۲۵: نمره ۱۱۰، صص۳-۴). در این راستا فرودستان شهری، مانند اصناف و نظامیان که در جبههٔ حامیان ملا قربانعلی قرار داشتند، به منظور فشار به مجلس شورای ملی برای تأیید اعتبارنامهٔ سید ابوطالب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

سلطانیه، به تجار مشروطه‌خواه حمله کردند و در نتیجه بازار زنجان تعطیل شد (مذاکرات مجلس اول، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسهٔ ۸۶). میرزا ابوالمکارم در مقابل حمله‌های صورت‌گرفته به تجار، با ارسال نامهٔ اعتراضی به مجلس شورای ملی واکنش نشان داد (همان، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۹۲).

گروه‌های سیاسی در تلاش برای جلب نظر سعدالسلطنه بودند، اما با شکست مواجه شدند. سعدالسلطنه نیز برای تسلط بر اوضاع شهر، ناگزیر به مقابله با طرفداران ملا قربانعلی شد، اما طی حملهٔ گروه‌های طرفدار ملا قربانعلی به دارالحکومه، با جراحت‌های وارده کشته شد (*روزنامه صبح صادق*، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: نمره ۷۵، صص۳-۴). قتل سعدالسلطنه فضای آشفتهٔ مجلس شورای ملی را به نفع میرزا ابوالمکارم و مشروطه‌خواهان زنجان تغییر داد و اعتبارنامهٔ «مقبل لشکر» نمایندهٔ دوم، مورد تأیید مجلس شورای ملی قرار گرفت (مذاکرات مجلس اول، ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۸۶). نتیجهٔ این اقدام مجلس دور از انتظار نبود؛ زیرا این بار طرفداران ملا قربانعلی با حمایت‌های شیخ فضل‌الله نوری دفتر انجمن ولایتی را تعطیل کردند. کنش سیاسی میرزا ابوالمکارم به عنوان رئیس انجمن ولایتی همچنان بر مدار اعتراض و شکایت به مجلس شورای ملی گذشت (همان، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۵؛ *روزنامه حبل‌المتین طهران*، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: شماره ۵۸، صص ۳-۴). او برخلاف برادرش میرزا ابوطالب که سیاست روشن و صریحی در مقابل مشروطه اتخاذ کرده بود، نه در تبیین واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی زنجان، به یاری سعدالسلطنه پرداخت و نه در جریان حمله به دارالحکومه، با گروه‌های فشار مقابله کرد. مرگ سعدالسطنه علاوه بر نادیده گرفتن تعامل با قدرت‌های محلی، نشان از فقدان روح همکاری میان رئیس تنها نهاد مشروطه در زنجان و حاکم داشت. حوادثی چون تأسیس دو انجمن، رقابت‌های انتخاباتی و حمله به بازار و دارالحکومه، نشان از موانع تاریخی در رشد بنیان‌های تجددخواهی و روح مشارکت جمعی در بین علمای زنجان داشت. باید افزود میرزا ابوالمکارم نمایندهٔ طبقهٔ فرادست، در مقابل عناصر متنفذ نوظهور وظیفهٔ حفاظت از منافع طبقاتی را با لحاظ قرار دادن همگامی با مراکز قدرت برعهده داشت. او با توجه به ثروت خاندانی، جایگاه دینی و ریاست بر انجمن ولایتی، ممانعتی از حمله به نهادهای

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

مشروطه در زنجان نکرد. این موضوع در مقابل خواسته‌های منتقدانهٔ همزمان برادرش نسبت به بنیان‌های مشروطیت در تهران، نشان از نداشتن باور قلبی به مبانی و اهداف سیاسی داشت.

تلاش‌های فخرالملک حاکم جدید، موجب بازگشایی انجمن ولایتی در شعبان ۱۳۲۵ شد (*روزنامه مجلس*، ۲۱ محرم ۱۳۲۶: شماره ۵۶، ص ۳)، اما ثبات نسبی با رقابت‌های اقتصادی خوانین متنفذ زنجان –جهانشاه امیر افشار و اسعدالدوله– از بین رفت. طبقهٔ فرودست به عنوان قربانی این منازعه‌ها از میرزا ابوالمکارم یاری خواستند. او علاوه بر بیان خواسته‌های مردمان ایلی و روستایی به مجلس شورای ملی، در پاسخ به تقاضای هیئت علمای تهران برای حکمیت، با تبیین موارد اختلاف خوانین، به حمایت از مردم پرداخت (مذاکرات مجلس اول، ۷ و ۱۱ رمضان ۱۳۲۵: جلسات ۱۶۹ و ۱۷۱؛ روزنامه حبل‌المتین طهران، ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۵: شماره ۲۰۵، ص۴). حکمیت میرزا ابوالمکارم به سود طبقهٔ فرودست تمام شد، اما به نظر می‌رسد این مواضع با توجه به رقابت‌های گذشتهٔ علمای زنجان و حوادث سیاسی مشروطه گرفته شده بود. در تبیین این موضوع می‌بایست نخست به حکم ملا قربانعلی در تأیید خواسته‌های امیر افشار اشاره کرد. این خان متنفذ آرای صادره را به وزرا و نمایندگان در تهران نشان می‌داد، در نتیجه واکنش مخالف میرزا ابوالمکارم در مقابل همکاری ملا قربانعلی و امیر افشار قابل پیش‌بینی بود (ساکما، ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳). دوم اینکه اسعدالدوله در جریان قتل سعدالسلطنه و حمله به انجمن ولایتی، مأمور دولت برای بررسی و بازداشت مجرمان بود، اما با توجه به پیوندهای سببی و نسبی با مخالفان مشروطه، اوضاع را در صحن مجلس شورای ملی آرام گزارش کرد (روزنامه *حبل‌المتین* طهران، ۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: شماره ۶۸: صص۵–۶). میرزا ابوالمکارم و مجلس شورای ملی سومین نکته در این بررسی است. او به مانند گذشته فقط به ارسال جوابیه و یادداشت‌های اعتراضی بسنده کرد و مجلس نیز با توجه به مشکلات روزافزون مشروطه، به نتایج قطعی در رسیدگی به خواسته‌های دو طرف نرسید. در نتیجه، موضوع قتل عام روستاییان و نامه‌های میرزا ابوالمکارم با اعمال نفوذ خوانین در تهران و حضور بی‌محاکمه‌شان در منطقه به سرانجام نرسید و این اراضی در دهه‌های بعد نیز محل خواستهٔ نوادگان خوانین گردید (کموامشا، ۰۲/۱۷۹۱۰/۰۰۰۱۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

کنش‌های سیاسی میرزا ابوالمکارم دربارهٔ رقابت‌های فرادستان جامعهٔ زنجان، به نادیده گرفتن مصالح و خواسته‌های مشروطه انجامید. این اهداف و خواسته‌ها در تعارض با مشی سیاسی مشخص میرزا ابوطالب در تهران بود. در ادامه، منازعه‌ها و رقابت‌های طبقاتی گروه‌های سیاسی زنجان و مشی میرزا ابوالمکارم موجب ناکامی تثبیت مبانی حکومت مشروطه در زنجان شد.

۲-۳. میرزا ابوالمکارم در میانهٔ اهداف مشروطه‌خواهی و سیاست‌های طبقاتی

آغاز دورهٔ استبداد صغیر و انتخاب مجدالسلطنه برای حکمرانی، به انزوای گروه‌های متنفذ طرفدار مشروطه در زنجان انجامید. برخی گروه‌های فرودست مشروطه‌خواه از بیم مجازات به اندیشهٔ نزدیکی به ملا قربانعلی افتادند (*روزنامه چهره‌نما*، ۱۳۸۵: ۲/۵۳۹؛ مطلب زنجانی، ۱۳۵۰: ۴۰). میرزا ابوالمکارم نیز با توجه به حمایت از مشروطیت در ماه‌های ابتدایی و ریاست بر انجمن ولایتی زنجان، با بسته شدن مجلس شورای ملی، برخلاف برادرش میرزا ابوطالب که درصدد مجاب کردن شاه برای تأسیس مجلس کبرای دولتی بود، تصمیم به اتخاذ سیاست انزوا و انتظار گرفت. این مدعا از دو بُعد قابل اثبات است. نخست باید به روابط انجمن‌های ایالتی و ولایتی سایر شهرها اشاره کرد که برخلاف زنجان، در برههٔ حساس حمله به تبریز، با یکدیگر ارتباط داشتند. دوم اینکه مشروطه‌خواهان تبریز با این سستی و ناکارآمدی مشروطه‌خواهان زنجان در هماهنگی و ارتباط با سایر شهرها، با برداشت نادرستِ نسبت به رخدادهای زنجان، در انتظار حمایت از سوی ملا قربانعلی در جریان محاصره و نبردهای شهری بودند (*روزنامه انجمن تبریز*، ۲۴ رمضان ۱۳۲۶: نمره ۱۴، ص۴؛ *روزنامه حکمت*، ۱۵ شوال ۱۳۲۶: شماره ۹۲۲، ص۵).

آغاز حمله‌های مجاهدان مشروطه در ماه‌های نخستین ۱۳۲۷، گروه‌های فرودست زنجانی را از انزوا خارج کرد، اما طبقهٔ فرادست از هرگونه اقدام عجولانه با احتمال از بین رفتن موقعیت اجتماعی و سیاسی خودداری ورزید. در راستای تکاپوی مخالفان مشروطه، شیخ جوقینی کشته شد (موسوی زنجانی، ۱۳۵۲: ۳۳۰). در ادامه، با اعزام سردار مسعود از سوی شاه برای حکمرانی و مأموریت عظیم‌زاده از قزوین برای برقراری مشروطیت در زنجان، احتمال درگیری‌ها و تنش‌های دو طرف افزایش یافت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

(*کتاب نارنجی*، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۴۰؛ کسروی، ۱۳۸۴: ۸۲). هر دو نفر با بی‌اطلاعی از کنش‌ها و بینش‌های سیاسی گروه‌های زنجانی و بی‌توجه نسبت به زمان حساس نبرد پیش روی تهران، از میرزا ابوالمکارم تقاضای همکاری کردند، اما میرزا ابوالمکارم درخواست‌ها را با سیاست صبر و انتظار بی‌پاسخ گذاشت.

با شکست مقطعی مشروطه‌خواهان در شاه‌آباد کرج، گروه‌های مشروعه‌خواه زنجانی به فعالیت هر چه بیشتر ترغیب شدند (کسروی، ۱۳۸۴: ۸۲). در این برهه، عظیم‌زاده که سخنرانی‌هایش را در مسجد میرزایی‌ها انجام می‌داد، به مسجد جامع پایگاه انجمن اسلام و کانون مخالفان مشروطه منتقل کرد. به روشنی نمی‌دانیم این تصمیم با پیشنهاد چه کسی انجام گرفت، اما برخی منابع محلی به نقش میرزا ابوالمکارم در این قضیه اشاره کرده‌اند (روحانی، ۱۳۴۷: ۵۵-۵۶). به نظر می‌رسد در صورت صحت این موضوع، میرزا ابوالمکارم درصدد رویارویی عظیم‌زاده و ملا قربانعلی و در نتیجه، حذف این عنصر متنفذ نوظهور از جامعهٔ زنجان بود.

مجلس سخنرانی عظیم‌زاده به دستور ملا قربانعلی در مسجد جامع بهم خورد. در ادامه، این موضوع به جنگ شهری تبدیل شد و عظیم‌زاده با وجود درخواست‌های چند روز پیش از میرزا ابوالمکارم برای همکاری، بدون یاری به قتل رسید (کسروی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۳؛ بهزادی، ۱۳۸۹: ۳۲۲). در ناکامی عظیم‌زاده موارد زیر تأثیرگذار بود. نخست سپهدار تنکابنی با آگاهی از درخواست‌های بی‌پاسخ گذشته و اعتماد بی‌اساس به موقعیت و جایگاه میرزا ابوالمکارم که برخلاف برادرش میرزا ابوطالب چندان تمایل به دخالت در بازی‌های سیاسی نداشت، عظیم‌زاده را به مأموریت بی‌بازگشت زنجان فرستاد (همان، ۳۱۰-۳۱۱). او در کنار نادیده گرفتن موقعیت متزلزل مشروطه در ماه‌های پیش از فتح تهران که بر مواضع و کنش‌های سیاسی عناصر متنفذی چون میرزا ابوالمکارم تأثیر می‌گذاشت، ساختار و وضعیت گروه-های سیاسی زنجان را مورد بررسی قرار نداد. میرزا ابوالمکارم به عنوان عامل دوم با اتخاذ سیاست منفعلانه و چشم‌پوشی نسبت به درخواست‌های عناصر متنفذی چون سردار مسعود حاکم ضدّ مشروطه، سپهدار تنکابنی و عظیم‌زاده، جایگاه و موقعیت طبقاتی‌اش را بر اهداف سیاسی ترجیح داد و به انتظار جنگ تعیین‌کنندهٔ تهران نشست.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

با فتح تهران، چرخش سیاسی میرزا ابوالمکارم دور از انتظار نبود. بنابراین پس از بی‌توجهی به درخواست‌های نخستین سپهدار، با ارسال نامه خواستار حاکمی باکفایت برای زنجان شد. دولت مشروطه نیز برای عادی‌سازی اوضاع، ضمن تشویق میرزا ابوالمکارم برای همکاری، معین‌الدوله را به زنجان فرستاد (بهزادی، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۲). در این برهه، طبقهٔ فرادست به دلیل عدم برقراری مشروطه در زنجان و احتمال بازگشت محمدعلی‌شاه به قدرت، موضع انفعالی را ادامه دادند (*روزنامه شمس*، ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۷: شمارهٔ ۱۷، صص۳-۴). نتیجهٔ این ملاحظات طبقاتی میرزا ابوالمکارم و سایر مشروطه‌خواهان، به دخالت دولت برای تثبیت مشروطه در زنجان منتهی شد. بنابراین با توجه به شورش شاهسون‌ها در اردبیل و برقراری مشروطه در زنجان، نیرویی از مجاهدان اعزام شد (*روزنامه ایران‌نو*، ۲۴ شوال ۱۳۲۷: شمارهٔ ۶۱، ص۲). با تصرف زنجان به دست مشروطه‌خواهان، میرزا ابوالمکارم به عنوان رئیس انجمن ولایتی، کنش‌های اجتماعی و سیاسی‌اش را با ناکامی به سرانجام رساند. او با وجود توانایی جمع‌آوری نیرو و کمک به مجاهدان، اقدامی در این باره نکرد و حتی با ارسال تلگراف، توصیه به دستگیری هر چه سریع‌تر ملا قربانعلی کرد (همان، ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۲۷: شمارهٔ ۷۴، ص۳). در ادامه، با نامه‌های پیش از جنگ زنجان خواستار عفو و اغماض نسبت به همهٔ گروه‌های زنجانیِ مخالف مشروطه شد (*روزنامه مجلس*، ۷ شعبان ۱۳۲۷: شمارهٔ ۱۵، ص۲)، اما به علتِ وابستگی به طبقهٔ فرادست، در جریان اجرای مجازات‌ها اقدامی در ممانعت از تبعیض‌های صورت‌گرفته نسبت به تبعید و أخذ جریمه از عناصر متنفذ و در مقابل اعدام گروه‌های فرودست شهری انجام نداد. این نگرش طبقاتی اندکی بعد ضمن کم‌توجهی نسبت به درخواست اعطای مقرری برای بازماندگان فرودست مشروطه، با ارسال نامه برای برقراری حقوق امام‌جمعهٔ ضدّ مشروطه به دلیل پیوندهای سببی (استادوخ، ۳۰۳۰۱۰۰-۰۲۱۶۱۳؛ ساکما، ۲۴۰/۱۴۶۸۰؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۳۹۹) و رقابت‌های گروهی علما با هدف منت‌گذاری دنبال شد.

پس از پایان حوادث زنجان، میرزا ابوالمکارم با وجود ناکامی‌های سیاسی عصر مشروطه، به ریاست انجمن ولایتی منصوب گردید و حاکمان زنجان با مشاورهٔ او تعیین شدند (بهزادی ، ۱۳۸۹: ۳۴۳و ۳۵۰). مرگ میرزا ابوالمکارم در روز شنبه ۲۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

ربیع‌الاول ۱۳۳۰، زنجان را به تعطیلی کشاند (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۵: ۱۳۳) و جایگاه تأثیرگذارش را در میان گروه‌های مختلف که نتوانست با توجه به منافع طبقاتی به نفع مشروطیت استفاده کند، دوباره نمایان کرد.

کنش سیاسی میرزا ابوالمکارم در عصر مشروطه؛ تأثیرات و نتایج

تأثیرات	نتایج
۱. ریاست خاندان و مسئولیت حفظ موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خانواده. ۲. خلق و خوی آرام و میانه‌روی در میان طبقات مختلف. ۳. دارا بودن یکی از مهم‌ترین محاکم شرعیه زنجان و تلاش برای حفظ اعتبار و اهمیت آن.	۱. قتل سعدالسلطنه، تبیین نکردن حوادث زنجان به مجاهدین تبریز، ناکامی در ممانعت از عبور قوای عین‌الدوله به تبریز و شکست مأموریت عظیم‌زاده ارتباط مستقیمی با انزوای میرزا ابوالمکارم داشت. ۲. کارنامهٔ ناموفق انجمن ولایتی زنجان در تحقق اهداف مشروطه که ریاست آن را برعهده داشت. ۳. جلوگیری نکردن از تبعیض دولت مشروطه در تعیین مجازات مجرمان حوادث زنجان. ۴. تبعیض در پیگیری قطع مقرری طبقات مختلف زنجان. ۴. تثبیت موقعیت خاندان موسوی تا زمان مرگ با موقعیت‌سنجی و میانه‌روی در سال‌های مشروطه. ۵. مرگ طبیعی و تشیع جنازهٔ باشکوه در زنجان.

۳-۳. میرزا ابوطالب زنجانی و جریان‌های سیاسی دورهٔ مشروطه

برخلاف میرزا ابوالمکارم که در سال‌های مشروطه در اندیشهٔ منافع خاندانی بود، میرزا ابوطالب در عرصهٔ سیاست با اهداف و آرمان مشخص فعالیت داشت. او دربارهٔ نوع مجلس شورای ملی، نحوهٔ قانونگذاری، طبقه و جایگاه نمایندگان انتقادهایی کرد که این مسئله در بروز شایعه دربارهٔ مخالفتش با نهاد مشروطه بی‌تأثیر نبود. میرزا ابوطالب برای تبیین آرا و نظراتش نسبت به نهاد مشروطه، دو نامه با یک مضمون با نام «مرض را قبل استیلا علاج کنیم» به جراید داخلی و خارجی فرستاد. در آغاز نامه به دشمنی‌های نخستین مخالفان به دلیل دخالتش در امر سیاست اشاره کرد. به نظر می‌رسد منظورش بی‌مهری ناصرالدین‌شاه به سبب روابطش با اسدآبادی بود. براساس محتوای این نامه، میرزا ابوطالب در جریان تحصن علما در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

قم، از شاه درخواست اعطای آزادی و تأسیس مجلس قانونگذاری کرد. او نوشته است: «شرایط منتخبین و انتخاب را عرض کردم. حال چطور می‌شود منکر مجلس باشم؟». در ادامهٔ نامه به انتقاد از ابهام در چگونگی و کارکرد مجلس شورای ملی و فعالیت نمایندگان پرداخت (*روزنامه حبل‌المتین کلکته*، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۴: شمارهٔ ۲۳، ص۱۵).

در اوایل سال ۱۳۲۵، امیر افشار که برای تصاحب زمین‌های مورد منازعه با اسعدالدوله، جواز علمایی چون ملا قربانعلی و سید عبدالله بهبهانی را به محاکم تهران ارائه کرد و در مقابل از فعالیت‌های ضد مشروطهٔ ملا قربانعلی ممانعتی به عمل نیاورد، میرزا ابوطالب به انتقاد از سیاست‌های متنفذان زنجانی پرداخت (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹). او با وجود مواضع هم‌گرایی با مشروطه، در ماه‌های بعد به جبههٔ مخالفان پیوست. اقوامش علت این رویکرد را بدبینی نسبت به شعارها و اهداف رهبرانی چون بهبهانی دانستند که براساس مطامع شخصی در حمایت از مشروطه ایجاد شده بود (مصاحبه با محسن میرزایی، ۱۳۹۹). در تحلیل این موضوع می‌بایست به رقابت‌های گروه‌های علما و سیاست‌های کارگزاران قاجاری پرداخت که در راستای تداوم حیات سیاسی، سعی در جلب نظر و ایجاد گروه‌های رقیب داشتند. همان‌گونه که اشاره شد، مخالفت‌های بهبهانی و طباطبایی با عین‌الدوله، به جلب نظر علمای رقیب برای دامن زدن به اختلاف‌ها و تحقق اهداف سیاسی منجر شد. بنابراین عین‌الدوله با برکناری بهبهانی از مسجد و مدرسهٔ سپهسالار، علاوه بر واگذاری سرپرستی این مراکز به میرزا ابوطالب، به‌وسیلهٔ پول درصدد تطمیع برآمد (کسروی، ۱۳۸۳: ۶۵؛ ملک‌المورخین، ۱۳۸۶: ۷۶۳/۲). باید افزود نزدیکی میرزا ابوطالب به اندیشه‌های اسدآبادی و تلاش برای تحقق نظریهٔ «امت اسلامی»، با انتقادها نسبت به چگونگی و کارکرد مجلس شورای ملی، در این گرایش‌های سیاسی بی‌تأثیر نبود. بنابراین میرزا ابوطالب با پیوستن به جبههٔ مخالفان مشروطه، به همراه شیخ فضل‌الله نوری در گردهمایی‌های حرم عبدالعظیم حضور یافت (دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۸).

افزایش اختلاف‌های اندیشه‌ورزان حوزه‌های سیاست و مذهب دربارهٔ فلسفهٔ حکومت مشروطه، به همکاری شاه با علمایی چون شیخ فضل‌الله نوری و میرزا

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

ابوطالب در میدان توپخانه انجامید. میرزا ابوطالب بر این مدعا بود که با اکراه و به درخواست شاه در این تجمع اعتراضی شرکت کرد (کسروی، ۱۳۸۳: ۵۱۱-۵۱۳)، اما این سخنان در تضاد با فعالیت‌های همزمانش بود. برای بررسی این موضوع باید دو نامهٔ رهبران هر دو جبهه به زنجان را در ذی‌قعده ۱۳۲۵ مرور کنیم که هر یک به نوعی درصدد همراهی گروه‌های سیاسی با اهدافشان بودند. در نامهٔ علمای مخالف مشروطه، میرزا ابوطالب برخلاف برادرش میرزا ابوالمکارم که در جبههٔ طرفداران مشروطیت در زنجان قرار داشت، از همشهریانش درخواست «همراهی با شریعت طاهره و رد آراء مذاهب فاسد» را کرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۵: ۲۹-۳۰). در ادامه، میرزا ابوطالب به همراه سایر علما نامه‌هایی به ولایات مختلف فرستاد، اما با پاسخ تند انجمن‌های شهرها مواجه شد (*روزنامه صبح صادق*، ۳۰ ذی‌قعده ۱۳۲۵: شمارهٔ ۲۰۸، ص۲؛ *روزنامه انجمن تبریز*، ۹ ذی‌حجه ۱۳۲۵: شمارهٔ ۲۹، صص۱-۳). به نظر می‌رسد تندروی‌های مخالفان مشروطه در میدان توپخانه و قتل عنایت‌الله زنجانی، صلح و امضای بی‌اساس شاه با مشروطه‌خواهان که بعدها با حوادث باغشاه به بدعهدی تعبیر شد و همچنین مشارکت بعدی میرزا ابوطالب در به توپ بستن مجلس، دلایل عمدهٔ این توجیه حضور در میدان توپخانه بود. میرزا ابوطالب از تأثیرات و عواقب بدعهدی شاه با امضای پشت جلد قرآن آگاه بود، اما نامه‌های انتقادی گذشته دربارهٔ نوع و کارکرد مجلس شورای ملی و رقابت با سید عبدالله بهبهانی، او را به صف مخالفان مشروطه در باغشاه کشاند.

شکست مشروطه‌خواهان و مشارکت میرزا ابوطالب با استخاره برای شاه در به توپ بستن مجلس شورای ملی، حیات اجتماعی-سیاسی‌اش را تحت تأثیر قرار داد. با توجه به ممهور بودن پاکت استخاره‌نامه‌ها، مسئلهٔ آگاهی میرزا ابوطالب از محتوای آنها به جدال قلمی کاظم میرزایی -برادرزادهٔ میرزا ابوطالب- و عباس اقبال آشتیانی انجامید. به عقیدهٔ میرزایی، عمویش از محتوای نامه‌های داخل پاکت‌ها اطلاعی نداشته است (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۷۰)، اما اقبال آشتیانی پاسخ‌های میرزا ابوطالب در زیر نام بزرگان مشروطه را گواه آگاهی‌اش می‌دانست (همو، همان، ۷۵). برای تبیین این مسئله، براساس اسناد خاندانی و منابع به بررسی پرداخته‌ایم. میرزا ابوطالب از علمای نزدیک به شاه و ملکه جهان بود (اسناد خاندان موسوی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

۱۳۹۹). به نظر می‌رسد او با علم و آگاهی و یا بدون اطلاع قبلی، براساس نزدیکی به دربار و همراهی بعدی با سیاست‌های شاه در باغشاه، از محتوای نامه‌ها اطلاع داشته است. در ادامه با آغاز نبرد، میرزا ابوطالب از مشاوران نزدیک شاه بود و دربارهٔ چگونگی تعبیهٔ دهانهٔ توپ‌ها به سمت مجلس، طرف مشورت قرار داشت که تأیید دیگری بر این آگاهی است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۷/۲). در سال‌های پس از مشروطه نیز کوه‌کمری از نمایندگان مجلس دوم شورای ملی، اسناد استخاره‌ها را دیده بود و با تأیید آگاهی و راهنمایی میرزا ابوطالب، افزود: «اگر آن اسناد به دست مشروطه‌طلبان می‌افتاد بی‌تردید قطعه قطعه‌اش می‌کردند» (کمره‌ای، ۱۳۹۸: ۲۷/۱-۲۸).

۴-۳. چرخش در مواضع و رفتارهای سیاسی میرزا ابوطالب

کنش ارتباطی در جوامع با ضرورت تبادل آرا و نظرهای مختلف، سرانجام به هم‌گرایی می‌انجامد. در جوامع شرقی نَیز دولت‌های استبدادی با وجود سلطهٔ مطلقه بر جامعه، ناگزیر از این روابط و کارکردهای اجتماعی بودند. در دورهٔ استبداد صغیر، نیاز به هم‌گرایی محمدعلی‌شاه را به تحقق وعدهٔ از پیش داده شده دربارهٔ برقراری مجلس کبرای دولتی وادار کرد. در نتیجه، نشست باغشاه برای این منظور تشکیل شد، اما بی‌اعتقادی شاه و برخی علما نسبت به اساس مشروطیت، این هم‌گرایی را به راهپیمایی‌های ساختگی در اعتراض برای برقراری دوبارهٔ مجلس تبدیل کرد و در نتیجه به سبب بدعهدی شاه مجلسی تشکیل نشد (کسروی، ۱۳۸۳: ۸۲۶؛ ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۴و۵/ ۸۶۰-۸۶۱؛ اسناد خاندان موسوی، ۱۳۹۹). در این برهه موضوعی که تعجب همگان را برانگیخت، بازگشت علمای بزرگی چون سید علی یزدی و میرزا ابوطالب به جبههٔ مشروطیت بود (*کتاب نارنجی*، ۱۳۶۶: ۴۲/۲). علت این مواضع سیاسی میرزا ابوطالب تاکنون بررسی نشده است. به عقیدهٔ کاظم میرزایی، عمویش پیش از به توپ بستن مجلس، «میوه مشروطه را نارس می‌دانست» (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۶۸)، اما این ادعا نمی‌تواند به واقعیت‌های سیاسی نزدیک باشد؛ زیرا چرخش سیاسی میرزا ابوطالب به فاصلهٔ چند ماه پس از سرکوب مشروطه‌خواهان انجام گرفت و در این مقطع زمانی مشروطیت نمی‌توانست به بالندگی برسد. به نظر می‌رسد اندیشهٔ سیاسی میرزا ابوطالب دربارهٔ ضرورت وجود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

مجلس مشورتی که در نامه به مظفرالدین‌شاه بـه آن اشـاره شـد و همچنـین دغدغـهٔ ایجاد «امت اسلامی» که با استبداد حکومت قاجاریه در تضاد بود، او را بـه اندیشـهٔ همکاری با سید علی یزدی کشاند. در نتیجه، میرزا ابوطالب با وجود بیماری شدید و برخلاف برادر مصلحت‌طلبش در زنجان، برای تحقق آرمان سیاسی و با هدف فشـار به شاه برای بازگشایی مجلس، در تجمعات اعتراضی حرم عبدالعظیم حضور یافت.

با فتح تهران و بازگشایی مجلس شورای ملی، معترضـان عبـدالعظیم بـه بخشـی از خواسته‌هایشان رسیدند. میرزا ابوطالب نیز به همکاری با مشروطیت همچنان ادامـه داد. این تعامل علاوه بر افزایش شایعه دربـارهٔ فتـوای قتـل شـیخ فضـل‌الله نـوری، بـه محکوم کردن ملا قربانعلی به عنوان همکار نـوری و رقیـب نوظهـور خانـدانش در زنجان انجامید (صدوقی، ۱۳۵۱: ۱۸۱؛ *روزنامه ایران نو*، ۱۷ ذی‌قعـده ۱۳۲۷: شـماره ۷۹، ص۲). با وجود مواضع مشروطه‌خواهی میرزا ابوطالب، در ماه‌های ابتـدایی سـال ۱۳۲۸ به کنج انزوا پناه برد. مخالفان این خانه‌نشـینی را بـه توطئـه بـرای برانـدازی مشروطیت تعبیر کردند (اسناد خاندان موسـوی، ۱۳۹۹؛ بهـزادی، ۱۳۸۹: ۳۵۲). ایـن گفتهٔ مشروطه‌خواهان نیز به دور از واقعیت نبود؛ زیرا با تمایـل شـاه مخلـوع بـرای بازگشت به سلطنت، میرزا ابوطالب دوباره به جبههٔ مخالفان پیوست (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۹۹۹/۲). چرخش سیاسی میرزا ابوطالب برای چه بود؟ از دیدگاه تدگار، در تحلیل رفتار گروهی و فردی براسـاس نظریـهٔ «سـرخوردگی نسـبی»، نارضـایتی فـرد موجب پیوستن به کنش‌های جمعی می‌شود. این سرخوردگی درواقع نسبی است؛ یعنی شکاف میان ارزیابی او از وضع موجود و انتظارهایی که از اوضاع حال و آینده دارد، اقدام به این «کنش جمعی» را تبیین می‌کند. در تعمیم ایـن نظریـه بـر کـنش سیاسـی میرزا ابوطالب، علاوه بر پیشگامی رقیبش سید عبـدالله بهبهـانی در عرصـهٔ سیاسـت کشور، رخدادهای مجلس دوم را باید مدّ نظر قـرار داد. در ایـن برهـه، رقابـت‌هـای سیاسی احزاب مجلس دوم (اجتماعیون اعتدالیون و دموکرات عامیون) موجب مرگ عناصر طرفدار هر دو جناح گردید. شعارهای جدایی کامل قوای سیاسی از روحانیان و منع نظام ارباب–رعیتی از سوی حزب دمـوکرات، انتقادهـای فراوانـی را از سـوی علما در پی داشت. در نتیجه، میرزا ابوطالب با توجه به باورهای سیاسی و وابسـتگی به خاندان‌های علمیِ زمیندار، این شعارها را مخالف خواسته‌هایش می‌دیـد. بـه نظـر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

می‌رسد حضور میرزا ابوطالب در باغشاه و نزدیکی به دربار، تأثیر مهمی بر این انزوای سیاسی گذاشت. چنانکه اشاره شد، دولت‌آبادی با طعنه و تمسخر از راهنمایی‌های میرزا ابوطالب برای تعبیه موقعیت توپ‌ها یاد کرده است. نکتهٔ آخر در این بررسی توجه دوباره به نامهٔ میرزا ابوطالب در اوایل مشروطه با درخواست‌های انتقادی دربارهٔ نام، نوع و کارکرد مجلس شورای ملی است که با رویهٔ پیش گرفته شده از سوی احزاب مجلس دوم در تضاد بود.

میرزا ابوطالب روز پنج‌شنبه ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۹، در کتابخانهٔ خانه‌اش از دنیا رفت. دولت مشروطه مرگ او را طبیعی جلوه داد، اما بریدگی گردن، آثار خفگی و ردّ انگشتان دست بر گردن، نشان از قتل داشت. به نظر می‌رسد همکاری میرزا ابوطالب با محمدعلی‌شاه مخلوع و بی‌توجهی نسبت به هشدارها و تهدیدهای مشروطه‌خواهان، موجب هراس مجاهدان مشروطه و این قتل شبانه شده بود (عزیز السلطان،۱۳۷۶: ۲۰۰۰؛ اسناد خاندان موسوی، ۱۳۹۹). احمدشاه قاجار بعد از مرگ میرزا ابوطالب نسبت به حمل جنازه به مشهد و تخصیص مقرری برای بازماندگان مساعدت کرد (همان اسناد). این توجه شاه نشان‌دهندهٔ اهمیت و جایگاه بالای میرزا ابوطالب در میان دربار و دولتیان بود؛ موضوعی که از آن هیچ‌گاه برای تعامل سیاسی و کاهش تنش‌های عصر مشروطیت استفاده نکرد.

کنش سیاسی میرزا ابوطالب در عصر مشروطه؛ تأثیرات و نتایج

تأثیرات	نتایج
۱. فرزند دوم خانواده، نداشتن مسئولیت سرپرستی خاندان و اقامت در تهران. ۲.روحیهٔ پرسش‌گری و نوگرایی. ۳. غرور و تکبر. ۴. تأثیرپذیری از آرای سید جمال‌الدین اسدآبادی. ۵. رقابت با علمایی چون بهبهانی و طباطبایی. ۶. بی‌اعتنایی شاه و مشروطه‌خواهان نسبت به خواسته‌های سیاسی.	۱. رویکرد انتقادی صریح نسبت به حکومت مشروطیت. ۲. حمایت از جناح ضدّ مشروطه. ۳. حضور و همکاری در به توپ بستن مجلس شورای ملی. ۴. بازگشت از جبههٔ شاه به دلیل بی‌اعتنایی نسبت به خواسته‌ها. ۵. چرخش سیاسی پس از فتح تهران و مخالفت دوباره با مشروطه. ۶. قتل شبانه توسط مجاهدان مشروطه و ناکامی در تحق آرمان‌های سیاسی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

۵-۳. تطبیق فعالیت‌های سیاسی برادران زنجانی در عصر مشروطه

برادران زنجانی پس از تحصیلات حوزوی و از آغاز ورود به عرصهٔ دین و سیاست، کنش‌هایی مختلفی داشتند که در جدول زیر به تطبیق آنها پرداخته‌ایم:

میرزا ابوالمکارم	میرزا ابوطالب
۱. مسئولیت سرپرستی خاندان موسوی.	۱. فرزند دوم خانواده و نداشتن بار مسئولیت ریاست خاندان.
۲. خلق و خوی آرام و میانه‌روی.	۲. مغرور، متکبر و نوگرا.
۳. نزدیکی به جریان‌های سیاسی روز برای تثبیت موقعیت خاندان.	۳. نزدیکی به گفتمان سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی و وابستگی به دربار.
۴. انزوا و گوشه‌نشینی در مقام ریاست انجمن ولایتی زنجان در بحران‌های سیاسی عصر مشروطه.	۴. مشارکت آشکار سیاسی، چرخش در بحران‌های عصر مشروطه و تلاش برای تحقق آمال سیاسی.
۵. مماشات با مخالفان و پرهیز از هرگونه درگیری.	۵. درگیری و رقابت مستقیم با مخالفان و دشمنان سیاسی.
۶. تحقق اهداف با حفظ جایگاه و موقعیت خاندان موسوی در زنجان و مرگ طبیعی.	۶. انزوا به علت مشی سیاسی مخالف با مشروطه‌خواهان و ناکامی در تحقق اهداف دینی و سیاسی و قتل توسط مجاهدان مشروطه.

نتیجه‌گیری

برادران موسوی در آغاز از محیط زندگی و تحصیلات حوزوی یکسانی برخوردار شدند، اما تحت تأثیر خصایل شخصی، ضرورت‌های اجتماعی زنجان و تهران و رقابت‌های طبقاتی و سیاسی، کنش‌های متعارضی داشتند. میرزا ابوالمکارم با رسیدن به ریاست خاندان موسوی، با توجه به سیاست‌ها و حمایت‌های کارگزاران قاجاریه در بر کشیدن خاندان‌ها و عناصر نوظهور در زنجان، وارد رقابت‌های طبقاتی شد. نادیده گرفتن عناصر نوظهوری چون ملا قربانعلی و امام‌جمعه در امر تأسیس انجمن ولایتی، صدور رأی علیه خوانینِ نزدیک به ملا قربانعلی در جریان حمله به اراضی ایلی و روستایی، سیاست انزوا در زمان حملهٔ مستبدان به تبریز که به تصور نادرست مجاهدان تبریزی از واقعیت‌های سیاسی زنجان دربارهٔ مقاومت ملا قربانعلی در مقابل قوای استبداد انجامید و موضع صبر و انتظار در ماه‌های حساس پیش از فتح

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

تهران که با بی‌ارادگی نسبت به خواسته‌های دو طرف (سردار مسعود حاکم ضدّ مشروطه و سپهدار تنکابنی و عظیم‌زاده) همراه شد، از این رقابت‌ها و ملاحظات طبقاتی با هدف تثبیت موقعیت و جایگاه اجتماعی-سیاسی نشأت گرفت. میرزا ابوالمکارم علاوه بر تبیین نکردن واقعیت‌های اجتماعی-سیاسی زنجان به سعدالسلطنه و عظیم‌زاده، مقاومتی در جریان قتل این دو نفر کرد. پس از فتح زنجان، ملاحظات طبقاتی میرزا ابوالمکارم با جلوگیری نکردن از تبعیض در مجازات گروه‌های فرادست و عناصر فرودست، پیگیری مقرری قطع‌شدهٔ امام‌جمعهٔ ضدّ مشروطه که با بی‌توجهی برای اعطای مقرری به بازماندگان مجاهدان همراه بود، ناکامی دیگری به کارنامهٔ مشروطه‌خواهی‌اش افزود.

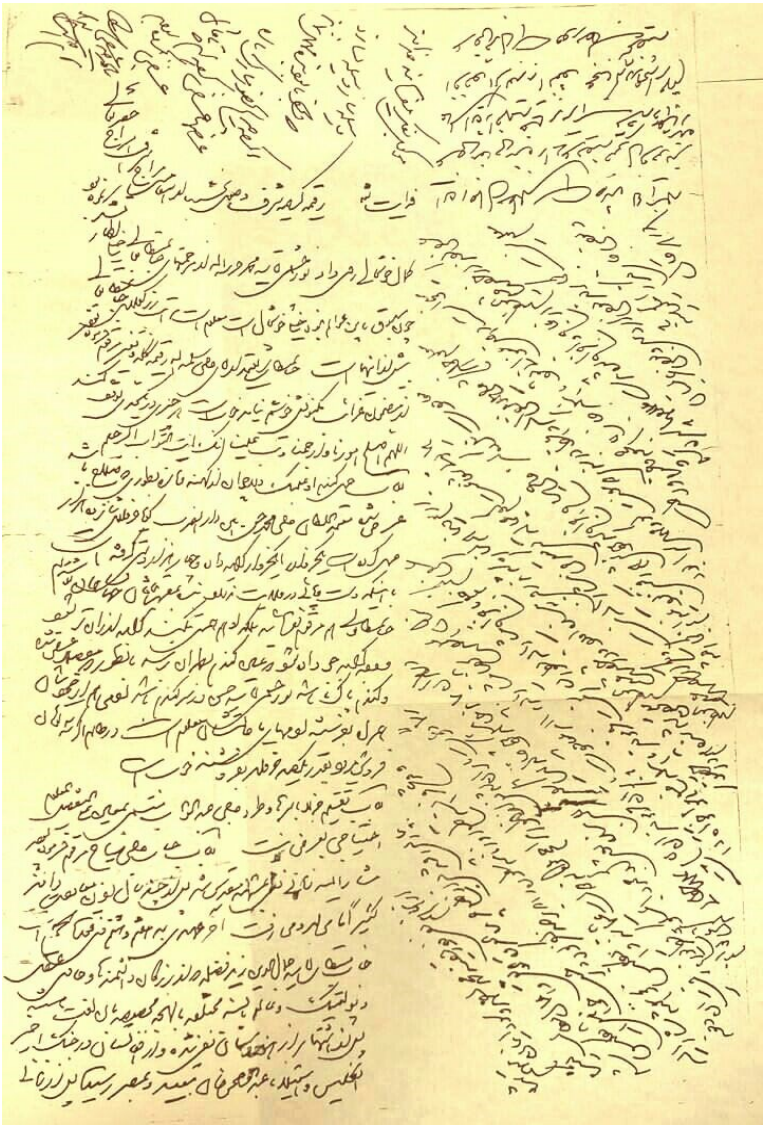
میرزا ابوطالب از دوستداران سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در اوایل مشروطه با وابستگی به دربار قاجار، حمایت از عین‌الدوله و رقابت با سید عبدالله بهبهانی و انتقاد از نام، نوع و چگونگی کارکرد مجلس شورای ملی که در نامه‌اش به مجلس شورای ملی تبلور یافت، به جبههٔ مخالفان مشروطه پیوست و در جریان به توپ بستن مجلس مشارکت کرد. او در دورهٔ استبداد صغیر با بدعهدی شاه نسبت به بازگشایی مجلس کبرای دولتی، به‌رغم وابستگی به دربار قاجار، به اعتراض و تحصن برخاست. این موضوع نشان از اعتقاد راسخ میرزا ابوطالب به آرا و عقاید سیاسی‌اش داشت. پس از فتح تهران، میرزا ابوطالب با عواملی چون انزوای سیاسی از سوی مشروطه‌خواهان به دلیل نزدیکی و همکاری‌های گذشته با شاه مخلوع، پیشگامی رقبایی چون بهبهانی در عرصهٔ سیاست کشور و شعارهای حزب دموکرات در لغو نظام ارباب-رعیتی و جدایی دین از سیاست که برخلاف خاستگاه طبقاتی و باورهای سیاسی‌اش بود، با چرخش سیاسی دوباره به جبههٔ مخالفان مشروطه پیوست.

فعالیت‌های سیاسی برادران زنجانی در بستر مشروطه با ملاحظات و رقابت‌های طبقاتی از سوی میرزا ابوالمکارم با موفقیت در تثبیت جایگاه خاندانی و شکست در کارنامهٔ مشروطه‌خواهی‌اش پایان پذیرفت و میرزا ابوطالب نیز با توجه به اندیشه-های اسلامی، نزدیکی به دربار قاجار و رقابت با علما، سرانجام قربانی آمال و اهدافش گردید و به دست مجاهدان مشروطه به قتل رسید.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

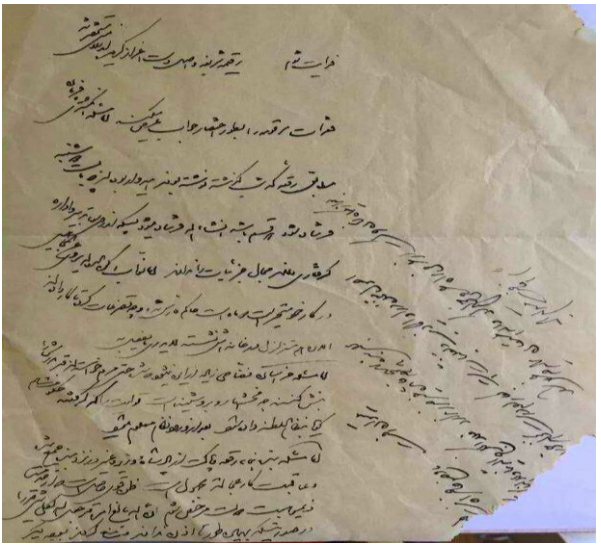
پیوست‌ها



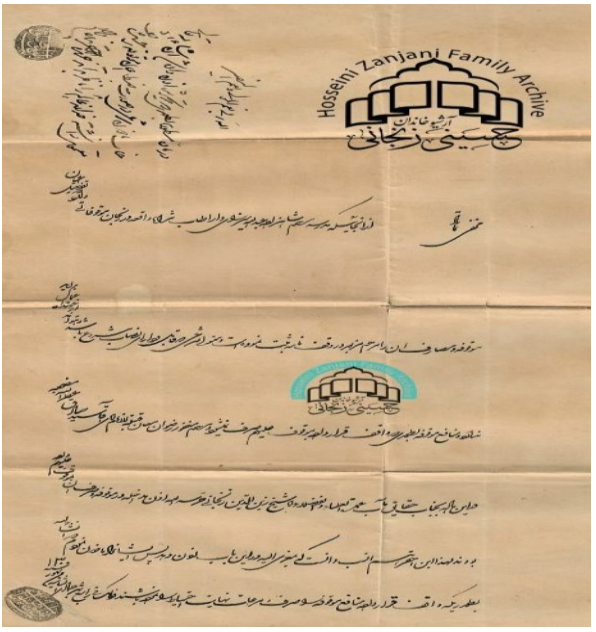
نامهٔ میرزا ابوطالب برای وساطت بین ناصرالدین‌شاه و سید جمال‌الدین اسدآبادی (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



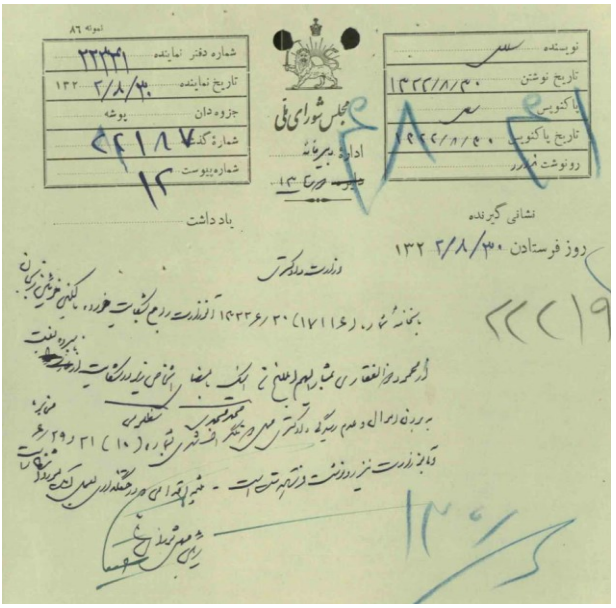
نامهٔ میرزا ابوطالب دربارهٔ تصمیم به دوری از دربار ناصری به علت روابط با سید جمال‌الدین اسدآبادی (اسناد خاندان موسوی، ۱۳۹۹)



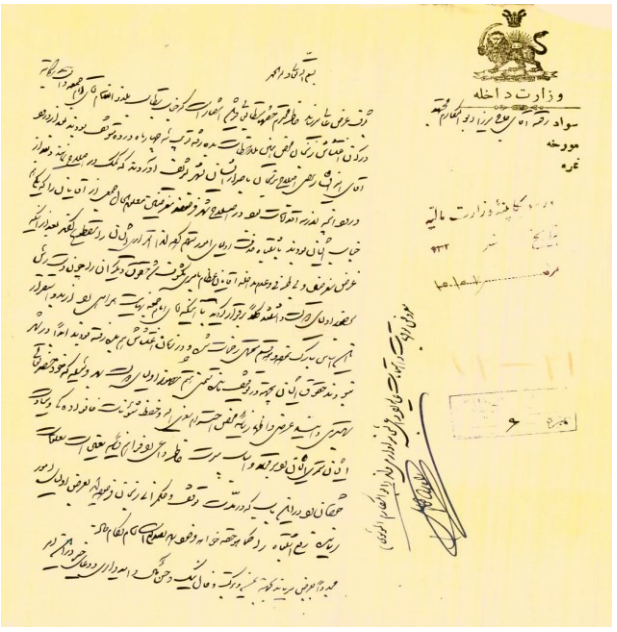
منازعهٔ علمای زنجان، استفتا از میرزا ابوطالب دربارهٔ موقوفات مسجد جامع و حکم او علیه خاندان امام‌جمعه (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



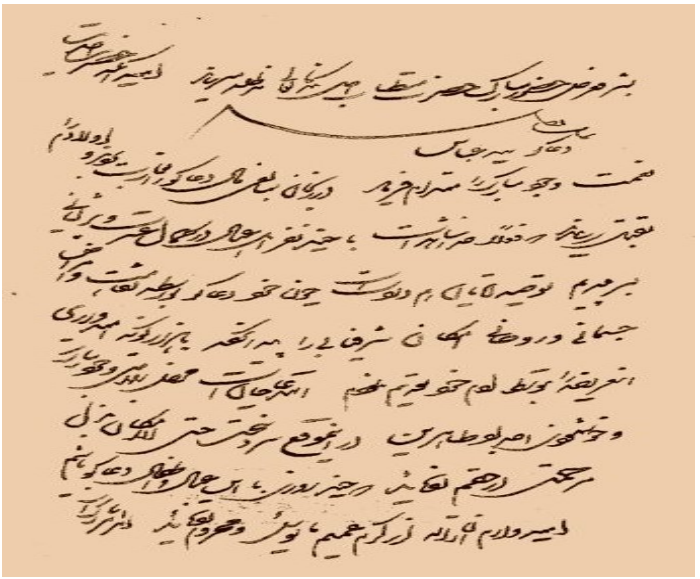
شکایت مالکان روستای خوئین در دورهٔ پهلوی (کموماشا، ۰۲/۱۷۹۱۰/۰۰۰۱۵)



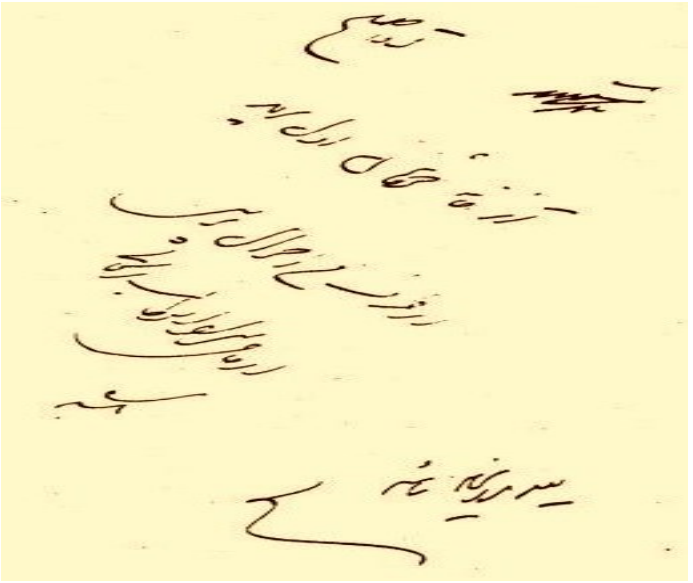
نامهٔ میرزا ابوالمکارم دربارهٔ برقراری حقوق میرزا ابوالفضایل، امام‌جمعهٔ ضد مشروطه (ساکما، ۲۴۰/۱۴۶۸۰)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



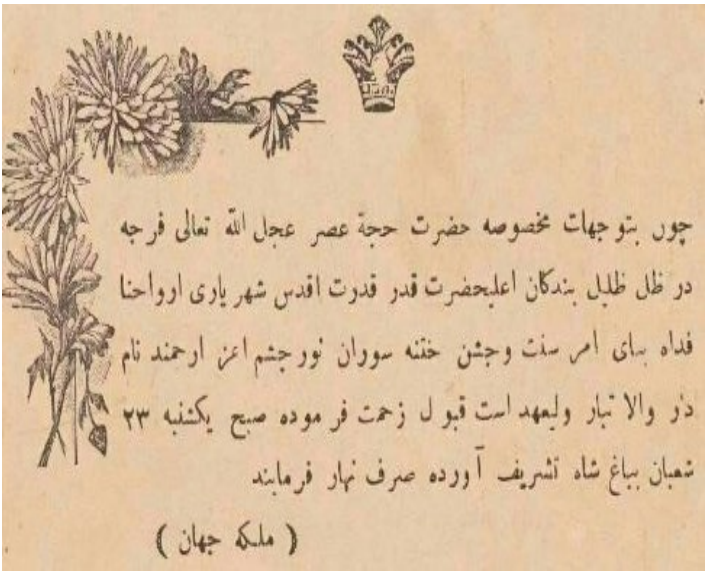
نامهٔ خانواده‌های مجاهدان زنجانی برای برقراری مقرری «عرایض مردم زنجان» (استادوخ، ۰۲۱۶۱۳-۳۰۳۰۱۰۰)



روابط نزدیک میرزا ابوطالب با محمدعلی‌شاه؛ دستخط شاه به یکی از درباریان: فردا صبح از خانه خودتان اول برید از طرف من احوالپرسی از حاجی میرزا ابوطالب زنجانی بکنید، بعد به در خانه بیائید (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

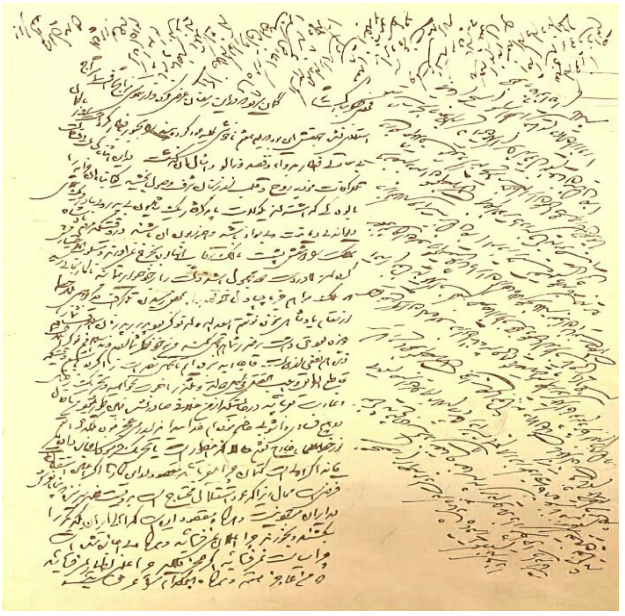
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



چون بتوجهات مخصوصه حضرت حجة عصر عجل الله تعالی فرجه
در ظل ظلیل بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شهر یاری ارواحنا
فداه بنای امر سنت وجشن ختنه سوران نورچشم اعز ارجمند نام
دار والا تبار ولیعهد است قبول زحمت فرموده صبح یکشنبه ۲۳
شعبان بباغ شاه تشریف آورده صرف نهار فرمایند
(ملکه جهان)

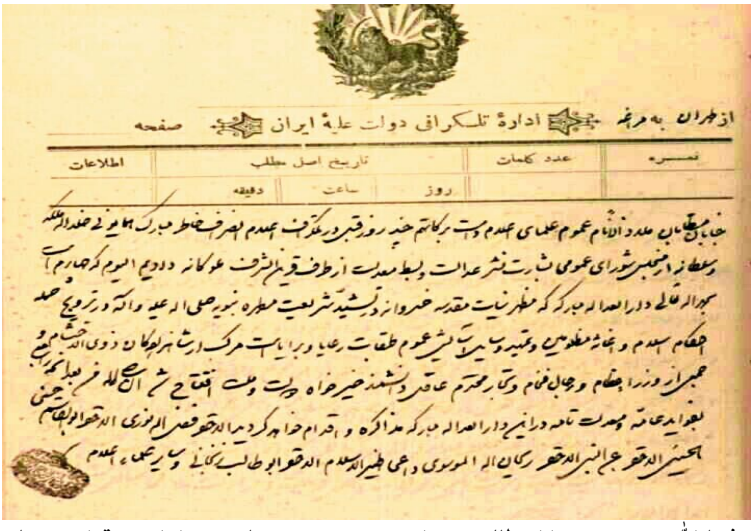
جشن ختنه سوران ملکه جهان برای ولیعهد احمدمیرزا و دعوت از میرزا ابوطالب برای استخاره (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)



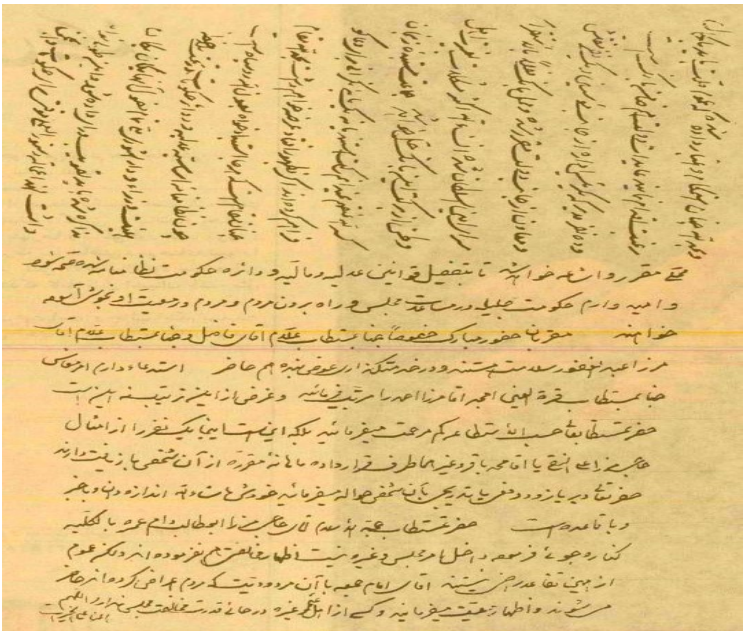
بخشی از نامهٔ میرزا ابوطالب در انتقاد از همکاری ملا قربانعلی و امیر افشار برای سرکوب مشروطه‌خواهان و تصاحب اراضی طبقهٔ فرودست در اوایل سال ۱۳۲۵ (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



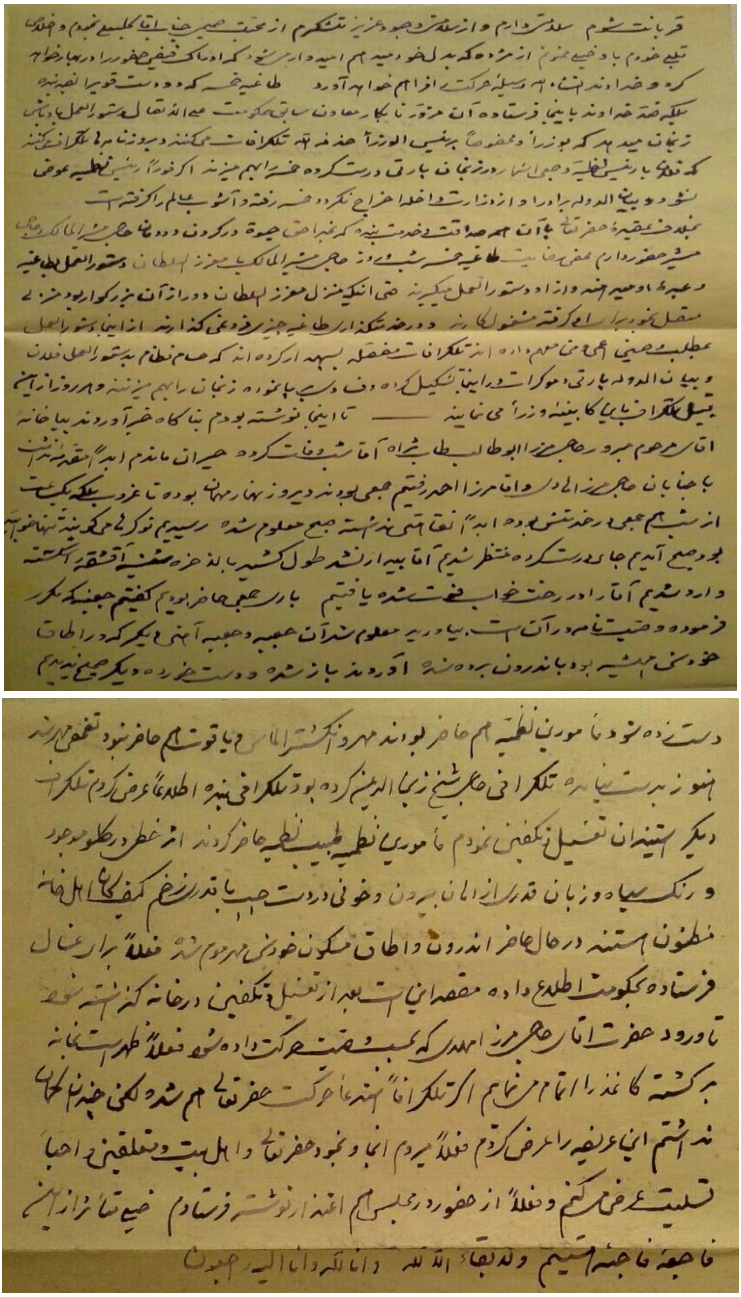
نامهٔ شیخ فضل‌الله نوری و میرزا ابوطالب پس از به توپ بستن مجلس، در اعلام برقراری مجلس شورای عمومی (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)



بخشی از نامهٔ شیخ ابراهیم زنجانی پس از فتح تهران دربارهٔ انزوای سیاسی میرزا ابوطالب (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

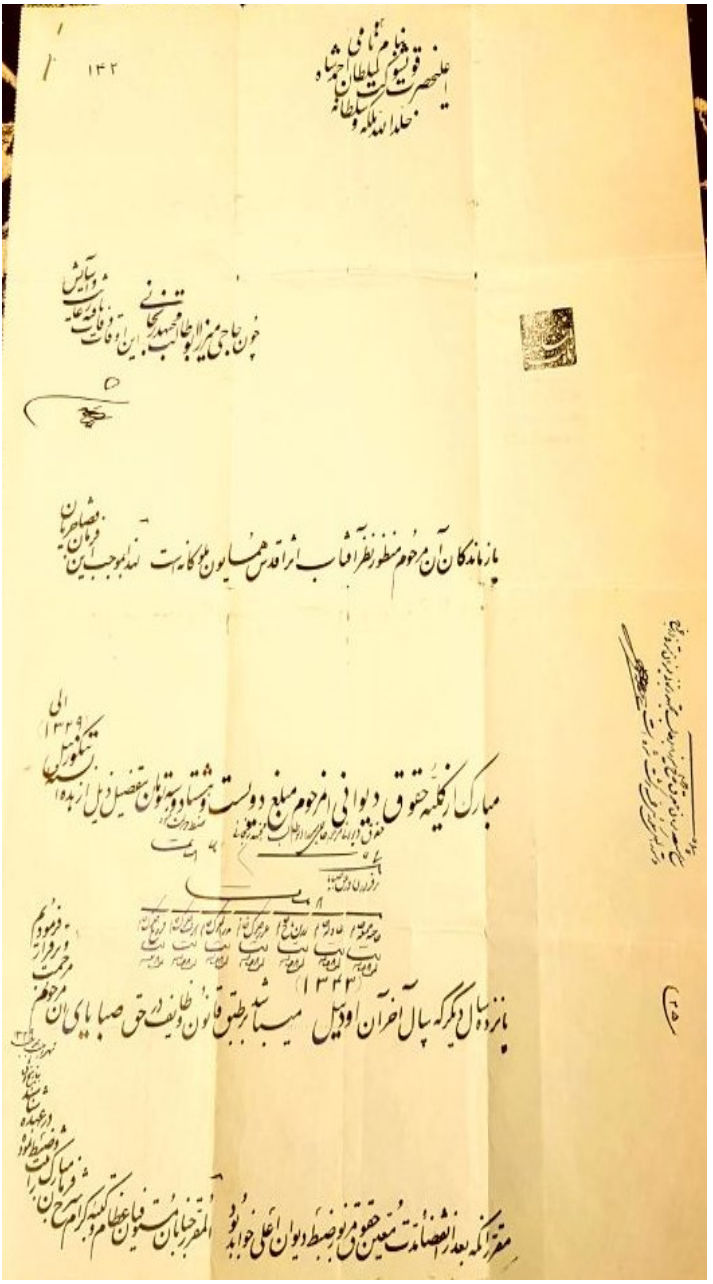
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



نامهٔ شیخ ابراهیم زنجانی درباره چگونگی مرگ میرزا ابوطالب (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]



برقراری حقوق دیوانی برای بازماندگان میرزا ابوطالب توسط احمدشاه قاجار (اسناد خاندان موسوی زنجانی، ۱۳۹۹)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۹۲)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش محمدمهدی موسوی، تهران: زوار.
- *اسناد وزارت خارجه ایران درباره سید جمال‌الدین حسینی (اسدآبادی)* (۱۳۹۵)، به کوشش هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- اقبال آشتیانی، عباس (مهر ۱۳۲۵)، «دو مکتوب راجع به تاریخ مشروطیت»، *مجله یادگار*، س۳، ش۲، صص۲۶-۳۰.
- ..... (بهمن و اسفند ۱۳۲۵)، «ما و خوانندگان؛ مرحوم حاج میرزا ابوطالب زنجانی برادر ایشان»، *مجله یادگار*، س ۳، ش۶ و ۷، صص ۱۳۰-۱۳۴.
- ..... (خرداد ۱۳۲۸)، «ما و خوانندگان؛ اعتراض به نویسنده مقاله چند استخاره از محمدعلی‌شاه و جواب‌های آنها»، *مجله یادگار*، س۵، ش۱۰، صص۶۵-۷۵.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳)، *شرح حال رجال ایران*، ج۱، تهران: زوار، چ۳.
- بهزادی، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، «زنجان عصر قاجار؛ پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی زنجانی»، *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*، ش۵۳-۵۴، صص۲۷۷-۳۵۶.
- دولت‌آبادی، علی‌محمد (۱۳۹۰)، *خاطرات و ملاحظات سید علی‌محمد دولت‌آبادی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: سخن.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، ج۲، تهران: انتشارات فردوسی.
- روحانی، محمدرضا (۱۳۴۷)، *فرهنگنامه زنجان*، زنجان: پرچم.
- زنجانی، احمد (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «سرگذشت خودنوشت آیت‌الله احمد زنجانی به ضمیمه یک اجازه روایی و ترجمه علمای زنجان»، *مجله کتاب شیعه*، ش۳، صص۱۸۳-۱۹۱.
- زنجانی، ابراهیم (۱۳۹۳)، *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*، به اهتمام غلامحسین میرزاصالح، تهران: کویر، چ۳.
- سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج۲، تهران: اساطیر، چ۲.
- شیبانی، نصیرالملک (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.
- صحرایی، شهرام (۱۳۹۵)، «ابوالمکارم زنجانی»، *دانشنامهٔ جهان اسلام*، ج۲۱، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلام.
- صدوقی، منوچهر (۱۳۵۱)، «میرزا علی‌اکبر اردبیلی و خاندان او»، *مجله وحید*، ش۱۰۱، صص۱۷۶-۱۸۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

- عزیزالسلطان، غلامعلی (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات غلامعلی‌خان عزیزالسلطان*، به کوشش محسن میرزایی، ج ۲-۳، تهران: زریاب.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳)، *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی، چ۲.
- *کتاب نارنجی؛ گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران* (۱۳۶۶)، ترجمهٔ حسن قائمیان و دیگران، به کوشش احمد بشیری، ج۲، تهران: نور.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر، چ۲۱.
- ..... (۱۳۸۴)، *تاریخ هیجده سالهٔ آذربایجان*، تهران: امیرکبیر، چ۱۳.
- کمره‌ای، محمد (۱۳۹۸)، *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، ج۱، تهران: شیرازه.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۹۳)، *مذاکرات دوره اول تا بیست و چهارم*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.
- مطلب زنجانی (۱۳۵۰)، «انقلاب زنجان»، *مجله خاطرات وحید*، س۹، ش۱، صص۳۷-۴۰.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین‌خان (۱۳۸۶)، *مرآت الوقایع مظفری*، ج۲، تهران: میراث مکتوب، چ۲.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج۴، ۵، تهران: علمی، چ۴.
- موسوی زنجانی، ابوطالب (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، «سیاحت‌نامه»، *مجلهٔ آینه میراث*، به کوشش کیانوش کیانی، دوره جدید، س۳، ش۳-۴، (پیاپی ۳۱-۳۲)، صص۳۰۵-۳۱۱.
- موسوی زنجانی، ابراهیم (۱۳۵۲)، *تاریخ زنجان؛ علماء و دانشمندان*، تهران: کتابفروشی مصطفوی- بوذرجمهری.
- موسوی میرزایی، کاظم (فروردین ۱۳۲۶)، «مرحوم میرزا ابوطالب موسوی»، *مجله یادگار*، س۳، ش۸، صص ۳۵-۴۴.

ب. اسناد

- اسناد خاندان حسینی زنجانی (۱۳۹۹)، *اسناد تولیت و نامه‌های علما*، زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی زنجانی.
- اسناد خاندان موسوی زنجانی (۱۳۹۹)، *یادداشت‌ها و نامه‌های خاندان موسوی*، مشهد: آرشیو حسین موسوی‌زنجانی.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سند شمارهٔ ۳۰۳۰۱۰۰۰۲۱۶۱۳ — ۱۳۲۸ه.ق.
- سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران (ساکما)، سند شمارهٔ ۲۴۰/۱۴۶۸۰.
- .....، سند شمارهٔ ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کموامشا)، سند شمارهٔ ۰۲/۱۷۹۱۰/۰۰۰۱۵-.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

پ. روزنامه

- روزنامه انجمن تبریز (۲۲ شعبان ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۱۴۳، ص۳.
- ..... (۹ ذی‌حجه ۱۳۲۵)، سال دوم، شمارهٔ ۲۹، صص۱-۳.
- ..... (۲۴ رمضان ۱۳۲۶)، سال سوم، نمرهٔ ۱۴، ص۴.
- روزنامه ایران نو (۲۴ شوال ۱۳۲۷)، سال اول، شمارهٔ ۶۱، ص۲.
- ..... (۱۱ ذی‌قعده ۱۳۲۷)، سال اول، شمارهٔ ۷۴، ص۳.
- ..... (۱۷ ذی‌قعده ۱۳۲۷)، سال اول، شمارهٔ ۷۹، ص۲.
- روزنامه حبل‌المتین طهران (۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۵، صص۳-۴.
- ..... (۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۵۸، صص۳-۴.
- ..... (۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۶۸، صص۵-۶.)
- ..... (۸ ذی‌حجه ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۲۰۵، ص۴.
- روزنامه حبل‌المتین کلکته (۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۴)، سال چهاردهم، شماره ۲۳، ص۱۵.
- روزنامه حکمت (۱۵ شوال ۱۳۲۶)، سال هفدهم، شمارهٔ ۹۲۲، ص۵.
- روزنامه شمس (۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۷)، سال دوم، شمارهٔ ۱۷، صص۳-۴.
- روزنامه صبح صادق (۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، سال اول، نمرهٔ ۷۵، صص۳-۴.
- ..... (۱۱ رجب ۱۳۲۵)، سال اول، نمرهٔ ۱۱۰، صص۳-۴.
- ..... (۳۰ ذی‌قعده ۱۳۲۵)، سال اول، شمارهٔ ۲۰۸، ص۲.
- روزنامه مجلس (۲۱ محرم ۱۳۲۶)، سال دوم، شمارهٔ ۵۶، ص۳.
- ..... (۷ شعبان ۱۳۲۷)، سال سوم، شمارهٔ ۱۵، ص۲.

ت. مصاحبه

- مصاحبه با محسن میرزایی دربارهٔ خاندان موسوی، *انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان*، ۱۳۹۹/۲/۱۲.

List of sources with English handwriting

Documents

- Documents of the Ministry of Foreign Affairs (1909), *The appeals of the people of zanjan*, document No. 021613-3030100
- Documents of Hosseini Zanjani family (2020), *Tulit documents and scholars' letters*, Office of Ayatollah Hosseini Zanjani.
- Documents of Mousavi Zanjani family (2020), *Notes and letters of the Mousavi*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

family, Mashhad: Hossein Mousavi Zanjani Archive.
- *Disagreement over the villages around khamse*. (1897_1904), document No. 298/002153
- Islamic Council Documents center (1904), *The complaint of the owners of Khoin village*, document No: 02/17910/00015.
- National Documents Organization of Iran (1909), *Mirza Abul al-Makaram's letter to establish the rights of Mirza Abul Fazayl Imam Juma*, document No: 240/14680.

Newspaper

- Calcutta Habalul Matin newspaper (1906), *Raqima Mirza Abutaleb Zanjani to the National Assembly*, year 14, 6 Dhul Hijjah, No. 23, page 15.
- Hekmat newspaper (2005), vol. 4, year 19-16, Arrangement: Inayatullah Rahmani, Tehran: Organization of Documents and National Library, vol. 1, edition 1.
- Iran No newspaper (1909), *Mirza Abu Talib's answer to the merchants of Zanjan*, year 1, No. 79, Wednesday, the 17 th of Dhiqaidah, page 2.
- (2006), volume 1, No (150-1), Preparation and arrangement: Inayatullah Rahmani, Tehran: Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran.
- Majlis newspaper (1997), vol. 2, year 7-5, Arrangement: Inayatullah Rahmani, Tehran: Organization of Documents and National Library, edition 1.
- 3 year, No.15, 7 Shaban 1327 AH, page 2.
- Newspaper of Tabriz Anjoman (1997), vol. 2, year 2, (first period, No. 15_32, and the second period No. 1-3), year 3 (No. 1-46), Tehran: National Library in cooperation with East Azerbaijan Governorate.
- Shams newspaper (1908), year 2. No 17. 17DhulHijjah.
- Sobh Sadegh newspaper (1906), *Mazandaran Mujahidan Telegraph*, year 1, Sunday, 30th of Dhiqaidah, No. 208, page 2.
- (2005), year 1, No 151-1, Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute, edition 1.
- Tehran's Habal-ul-Matin newspaper (2004), *Habal al-Matin's diary*, vol. 1, year 1, No (157-1) and vol. 2 No (158-274), vol. 1, Tehran: University of Tehran.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

Books and articles

- Article by Zanjani (1971), "Zanjan Revolution", *Khaterate vahid Magazine*, year 9, No.1, P 37 -40.
- Aziz al-Sultan, Gholam Ali (1997), *Diary of Gholam Ali Khan Aziz al-Sultan*, edited by Mohsen Mirzaei, vol. 2-3, Tehran: Zaryab, edition 1.
- Bammad, Mehdi (1984), *biography of Iranian men*, Vol. 1, Tehran: Zavvar, edition 3.
- Commentary on the deliberations of the National Council (2013), *the deliberations of the first to twenty-fourth period*, Tehran: Library, Museum and Majlis Document Center.
- *Documents of the Ministry of Foreign Affairs of Iran about Seyyed Jamaluddin Hosseini (Asadabadi)* (2016), By the efforts of Hadi Khosrowshahi, Tehran: Ettelaat, edition 1.
- Daulatabadi, Yahya (1982), *Hayat Yahya*, Vol. 2, Ferdowsi Publications, edition 1.
- Daulatabadi, Ali Mohammad (2011), *memories and observations of Seyyed Ali Mohammad Daulatabadi*, with the efforts of Iraj Afshar, Tehran: Sokhan, edition 1.
- Ehtsham al-Sultaneh, Mahmoud (2013), *Memories of Ehtsham al-Sultaneh*, by the efforts of Mohammad Mahdi Mousavi, first edition, Tehran: Zavvar, edition 1.
- Encyclopaedia of Islamic World (2016), *Abul Makarem Zanjani*, under the supervision of Gholam Ali Haddadadel, Vol. 21, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation, edition 1.
- Fakhraei, Ebrahim (1974), *Gilan in the Constitutional Movement*, Tehran: sazmane Ketabhaye jibi, edition 2.
- Iqbal Ashtiani, Abbas (1946), "Two letters about the history of constitutionalism", *Yadgar Magazine*, year 3, number 2, pages 26_30.
- (1949), “We and the readers; Objection to the author of the article Chand Istikhara by Muhammad Ali Shah and their answers”, *Yadgar magazine*, year 5, No.10, pages 75-65.
- Kasravi, Ahmad (2004), *Constitutional History of Iran*, Tehran: Amirkabir, edition 21.
- (2005), *18-year history of Azerbaijan*, Tehran: Amirkabir, edition 13.
- Komrehei, Mohammad (2018), *Seyyed Mohammad Komrehei's diary newspaper*, edited by Mohammad Javad Javadinia, Vol. 1, Tehran: Shirazeh, edition1.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

- Malekzadeh, Mehdi (1994), *History of Iran's Constitutional Revolution*, Tehran: Elmi, edition 4.
- Mousavi Mirzaei, Kazem (1947), "We and the readers: Mirza Abutalib Mousavi and his brother" *Yadegar Magazine*, year 3, No 6-7, P 131-134, No 8, p 35-44.
- Mousavi Zanjani, Abu Talib (2004), "Travel Book", by Kianush Kiani, *Ayneh mirase magazine*, new period, year 3, No.3-4, P 311- 305.
- Mousavi Zanjani, Ebrahim (1973), *History of Zanjan- Scholars and Scholars*, Tehran: ketab forooshi Mostafavi.
- *orange book; Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsarist Russia about the Iranian Constitutional Revolution* (1987), by Ahmad Bashiri, translated by Hassan Qahemian and others, Vol.2, Tehran: noor, edition 1.
- Rouhani, Mohammad Reza (1968), *Dictionary of Zanjan*, Zanjan: Parcham, edition 1.
- Sadoughi, Manouchehr (1972), "Mirza Ali Akbar Ardabili and his family", *Vahid Magazine*, No.101, P 176- 182.
- Salor, Ghahreman Mirza (1997), *Ain al-Sultaneh newspaper*, with the efforts of Masoud Salor and Iraj Afshar, Vol. 2, Tehran: Asatir, edition 2.
- Sepehr, AbdulHossein (2007), *Merat al-Waqa'i Mozafari*, edited by AbdulHossein Nawai, Vol. 2, Tehran: Mirase Maktoob, edition 2.
- Shibani, Nasirul-Molk (1995), *Basir-ul-Molk Shibani's diary*, with the efforts of Iraj Afshar and Mohammad Rasul Daryagasht, Tehran: Donyaye Ketab, edition 1.
- "Zanjan of the Qajar era; A research in the documents of Mirza Abul Makaram Mousavi Zanjani" (2010), By the efforts of Mohammad Reza Behzadi, *Quarterly Journal of Contemporary History of Iran*, No. 53-54, pages 277 - 356.
- Zanjani, Ahmad (2011), "Autobiography of Ayatollah Ahmed Zanjani with an appendix of a narration permission and translation by the scholars of Zanjan", *Shia Book Magazine*, number 3, pages 183-191.
- Zanjani, Ebrahim (2014), *Sheikh Ebrahim Zanjani's memoirs*, edited by Gholamhossein Mirzasaleh, Tehran: Kavir, editeditio 3.

Interview

- Interview with Mohsen Mirzaei about the Mousavi family: Zanjan History and Culture Lovers Association.2020/05/01.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.54.2.4]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-31]